

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سعید محمدی

۱۴ اکتوبر ۲۰۱۸

اندیشه سبز



دشمنی رژیم‌های دیکتاتوری با افراد جامعه همیشه به صورت قتل‌عام و کشتار علنی و اعدام در ملا عام صورت نمی‌گیرد. چه بسیار جنایاتی که بدون شاهد و مدرک صورت می‌گیرند و در تاریخ گم می‌شوند. این دشمنی گاهی اشکال نامحسوسی به خود می‌گیرد و حتی ممکن است شخص فکر کند که دیکتاتور کاری مفید برایش انجام می‌دهد. حذف سهم شهرستانی‌ها در کنکور، بومی‌گزینی دانشگاه‌ها، تمرکز امکانات آموزشی و رفاهی در شهرهای خاص، رواج اعتیاد و گسترش بیکاری، به نابودی کشاندن اقتصاد و... نمونه‌های کوچکی از کشتار سیستماتیک و زیرپوستی افراد یک ملت هستند. نابودی محیط زیست هم یک نمونه دیگر نشان دادن دشمنی با افراد ساکن در یک جغرافیای خاص است. سد سازی های بی رویه (که مفید جلوه داده می شود!)، تغییر مسیر پرواز هواپیماها، سوزاندن جنگل‌ها، فرسوده نگاه داشتن ناوگان حمل و نقل و کارخانه‌ها، برداشت بی رویه از منابع طبیعی و بر نداشتن حتی یک قدم برای بهبود شرایط زیست محیطی از جمله روش‌هایی است که ظالمان به کار می‌برند تا ملت خاصی را دچار بحران و در نهایت نابود کنند.

جمهوری اسلامی، که میراث‌دار مرکز گرایی و ناسیونالیسم رضاخانی ضد اقلیت‌های غیر فارس است، تمام تلاشش را در به نابودی کشاندن این اقلیت‌ها انجام داده و همچنان انجام می‌دهد. ایران از موج گرمایش جهانی و تغییرات اقلیمی که در یک قرن اخیر گریبان گیر دنیا بوده، در امان نبوده و خسارت‌های جبران ناپذیری را متحمل شده‌است. بی کفایتی رژیم جمهوری اسلامی و دشمنی‌اش با برخی اقلیت‌ها مزید بر علت شده تا این خسارت‌ها چندین برابر حد معمول در کشورهای دیگر باشد. طبق آمارهای منتشر شده از ملل متحد اگر روند تخریب محیط زیست ایران با همین سرعت پیش برود تا ده الی پانزده سال آینده جنوب ایران قابل سکونت نخواهد بود و نیمه شمالی به وضعیت قرمز می‌رسد. خشک

شدن دریاچه ارومیه، زاینده رود، تالاب هورالعظیم و صدها تالاب و دریاچه دیگر، فروچاله‌های متعدد در بخش‌های مرکزی ایران (طبق گفته کارشناسان وقوع فروچاله یک مرحله قبل از نابودی و مرگ کامل اکوسیستم آن منطقه است)، کاهش شدید بارندگی و خشکسالی و ... تنها تعدادی از فجایعی هستند که در ایران اتفاق افتاده و یا در حال اتفاق افتادن هستند.

در این وانفسای نابودی عامدانه محیط زیست ایران، هستند تعداد زیادی انسان آزاده که دل به وعده‌های حاکمیت خوش نمی‌کنند و خود آستین همت بالا می‌زنند تا نگذارند طبیعت این کشور به نابودی کامل کشیده شود. این مردان و زنان بزرگ به خوبی می‌دانند به چه عرصه خطرناکی پای می‌گذارند. می‌دانند جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر جنگی تمام عیار علیه فعالان محیط زیست را آغاز کرده. خبر دروغین خودکشی کاووس سیدامامی - فعال محیط زیست شناخته شده ایران - در زندان! سقوط هواپیمای حامل چندین فعال محیط زیست در یاسوج، بازداشت گسترده فعالان در شهرهای مختلف و ... از جمله نمونه‌های این جنگ نچندان پنهان جمهوری اسلامی است.

"شریف باجور" یکی از این انسان‌های شجاع بود که با آگاهی به عزم جزم جمهوری اسلامی به نابودی طبیعت ایران به مصاف این رژیم ضد بشری رفت. او بارها از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد و حتی مغازه کوچکش را هم به آتش کشیدند. اما این آتش کوچک باعث نشد که شریف آتش سوزان کوه‌های کردستان را فراموش کند. به علت خشکسالی سالهای اخیر و بی تفاوتی حکومت به جنگلها، در نقاط مختلف این کشور هرگونه جرقه کوچکی می‌تواند به آتشی فاجعه بار و نابودگر تبدیل شود. در کشورهای دیگر دلایل مختلفی برای آتش سوزی در جنگلها ذکر می‌شود از جمله سیگار خاموش نشده، آتش رها شده توسط طبیعت گردان، رعد و برق، اتصالی و جرقه سیم‌های برق و ... اما "شلیک راکت" و "بمباران" جنگلها دلایلی هستند که تنها در ایران خفقان زده باعث آتش سوزی جنگلها می‌شوند. سالهاست برای ممانعت از تحرک نیروهای مخالف حکومت در کوهستان‌های کردستان این جنگلها را به آتش می‌کشند.

شریف باجور که عضو "انجمن سبز چیا" بود هر بار که می‌شنید گوشه‌ای از جنگلها و مراتع دچار آتش سوزی شده بدون درنگ با جمعی از دوستانش به محل آتش سوزی می‌رفتند و با امکانات اولیه آتش را مهار می‌کردند. گاهی نیز با سازماندهی پیاده‌روی‌ها و دوچرخه‌سواری‌های طولانی در حمایت از حقوق حیوانات سعی می‌کرد به مردم بگوید که حیوانات هم مانند انسان‌ها حق زندگی دارند. او از چند سال پیش نیز با ترغیب شکارچیان پویش "تفنگ سبز" را راه‌اندازی کرد. بسیاری از شکارچیان تحت تأثیر سخنان ارزشمند ایشان شکار را ترک کرده و تفنگ‌هایشان را شکستند. ویدئوهای زیادی از شکستن تفنگ‌ها و رهاسازی کبک‌ها در دامان طبیعت و همچنین سوزاندن قفس‌ها در فضای مجازی ایران پوشش سراسری پیدا کرد. او همچنین همزمان با اعتصاب غذای زندانیان سیاسی دربند در زندان اوین مسیر بین مریوان به تهران را، با چندین پیام از جمله اعتراض به کشتار کولبران رکاب زد. لوح تقدیر و تندیس که از سوی تعداد زیادی از نهادهای حقوقی برای این اقدام ارزشمند به او اهداء شده را طی دیدار با خانواده آتنا دائمی، فعال حقوق بشر دربند، به پدر وی اهداء کرد.

در آخرین تلاش این انسان بزرگ برای خاموش کردن آتش کوهستان‌های مریوان، که گویا به دلیل بمباران‌های سپاه به وجود آمده بود، با سه نفر از همراهانش دچار تله آتش شده و جان باختند. مرگ مشکوک و همزمان چهار فعال محیط زیست موضوع بحث محافل سیاسی ایران شده بود. اما جمهوری اسلامی این بار هم همه اتهاماتش را انکار کرد و محیط زیست ایران و دوستدارانش را بار دیگر در غم از دست دادن یک حامی شریف عزادار کرد.

مردم مریوان تشییع جنازه شریف باجور و همراهانش را در دامن همان کوهستان‌هائی برگزار کردند که آنها جانشان را برای نجاتش فدا کردند. حاضران با خواندن سرود و نواختن موسیقی یاد و خاطره این انسان‌های بزرگ را گرامی داشتند.

شریف باجور در دامن طبیعت آرام گرفت؛ طبیعتی که همه زندگی او بود. او رفت و طبیعت ایران تنهاتر شد. او رفت و کوه‌های کردستان نامش را همچنان فریاد می‌زنند و ساکنین این کوهستان‌ها، غمگین از کوچ ناگهانی‌اش، چشم امید به حمایت شریف‌های دیگری دارند تا آنها را از گزند تیغ و تیر و شعه جلادان نجات دهند.

"شادمان باشید و آرزوهایتان بلند. هراسان نباشید ای مردم، اندیشه سبز رهبر ماست." - شریف باجور

نشر نخست: نشریه رهائی زن شماره ۶۶